دوماهنامهٔ جستارهای زبانی
د۷، ش۷ (پیاپی ۳۵)، بهمن و اسفند ۱۳۹۵، صص۷۳-۹۵

رویکردی کمینه‌گرا به توزیع نشانهٔ نفی در جملات پرسشی بلی- خیر در گویش دشتستانی

خسرو غلامعلی‌زاده[۱]، شجاع تفکری رضایی[۲]، حسین مغانی[۳]*

۱. استادیار زبان‌شناسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
۲. استادیار زبان‌شناسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
۳. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

دریافت: ۹٤/٦/۱ پذیرش: ۹٤/۱۰/۲۳

چکیده

در پژوهش توصیفی- تحلیلی حاضر، توزیع نحوی نشانهٔ نفی جمله در جملات پرسشی بلی-خیر در گویش دشتستانی را بررسی می‌کنیم. در این گویش، نشانهٔ نفی جمله علاوه‌بر جایگاه منضم به فعل، در جایگاه قبل از متمم‌های گروهی جمله و همچنین ابتدای جملات پرسشی بلی-خیر قرار می‌گیرد. بنابراین، با ارائهٔ شواهدی چند، رفتار انتخابی این نشانه و نیز سازکارهای حاکم بر توزیع آن در سلسله‌مراتب جمله را در دو جایگاه منضم به فعل و غیرمنضم به فعل، ازدیدگاه برنامهٔ کمینه‌گرای چامسکی (۱۹۹۵، ۲۰۰۱) تبیین می‌کنیم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نشانهٔ نفی در جایگاه قبل از فعل، «نشانهٔ نفی متصل» و در جایگاه قبل از متمم‌های گروهی، «نشانهٔ نفی منفصل» است که هریک در گروه‌های جداگانه‌ای تولید می‌شوند و با فعل در رابطهٔ مطابقه شرکت می‌کنند. در جملات پرسشی بلی- خیر، نشانهٔ نفی منفصل از جایگاه هستهٔ گروه نفی غیرمنضم به فعل حرکت می‌کند و در جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما قرار می‌گیرد تا ضمن اقناع معیار نفی، تعبیر پرسشی جمله را فراهم کند. عدم تحقق این حرکت، ساختی غیردستوری تولید می‌کند.

واژگان کلیدی: برنامهٔ کمینه‌گرا، گویش دشتستانی، نفی جمله، مطابقه، بازبینی مشخصه.

* نویسندهٔ مسئول مقاله: E-mail: hosseinmoghani@yahoo.com

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

۱. مقدمه

«نفی»[۱] یکی از مقولات دستوری جهانی است و به‌نظر می‌رسد که همهٔ زبان‌ها از ابزارهای دستوری‌شدهٔ ویژه‌ای برای انکار صدق یک گزاره برخوردارند (Weiss, 2002; Willis & et-al, 2013). با این‌حال، ممکن است که زبان‌های مختلف تاحد زیادی در شیوهٔ بیان نفی با یکدیگر متفاوت باشند. از مهم‌ترین موضوعاتی که در حوزهٔ نفی، به‌ویژه ازدیدگاه نحوی در کانون توجه بوده، جایگاه نشانهٔ نفی جمله و شرایط تجویز[۲] آن است. در این مقاله، مقولهٔ منفی‌سازی در گویش دشتستانی را ازمنظر نحوی و در سطح جملات پرسشی بلی‌ـخیر بررسی می‌کنیم. به‌طور کلی، نشانهٔ نفی جمله در این گویش ضمن انضمام به جایگاه بلافصل قبل از فعل اصلی و فعل کمکی زماندار، در جایگاه پیش از متمم‌های گروهی جمله، نظیر گروه اسمی، گروه صفتی و گروه حرف اضافه‌ای در جملات خبری منفی و همچنین در آغاز جملات پرسشی بلی‌ـخیر به‌کار می‌رود. در پژوهش توصیفی‌ـتحلیلی حاضر، می‌کوشیم در چارچوب برنامهٔ کمینه‌گرای چامسکی (۱۹۹۵، ۲۰۰۱)، برای پرسش‌های زیر پاسخ مناسبی بیابیم:

۱. نشانهٔ نفی در آغاز جملات پرسشی بلی‌ـخیر منفی در گویش دشتستانی در چه جایگاهی قرار دارد؟

۲. ارتباط بین جایگاه نشانهٔ نفی در آغاز جملات پرسشی بلی‌ـخیر با سایر جایگاه‌های مربوط به نشانهٔ نفی جمله در این گویش چگونه قابل تبیین است؟

با توجه به داده‌های تحقیق، فرض ما این است که در گویش تحت بررسی دو گونهٔ متمایز نشانهٔ منفی، یعنی «نشانهٔ نفی متصل[۳]» در جایگاه قبل از فعل و «نشانهٔ نفی منفصل[۴]» در جایگاه قبل از متمم‌های گروهی، قابل تمایز است و هریک گروه نفی خاص خود را فرافکن می کنند. به این ترتیب، به‌نظر می‌رسد که نشانهٔ نفی در آغاز جملات پرسشی بلی‌ـخیر ازنوع «نشانهٔ نفی منفصل» است که پس از حرکت از هستهٔ فرافکن نفی[۵]، در هستهٔ گروه متمم‌نما[۶] قرار می‌گیرد.

پس از مقدمه و در بخش دوم این پژوهش، پیشینه‌ای مختصر از مطالعات انجام‌شده درزمینهٔ نشانهٔ نفی در جملات پرسشی بلی‌ـخیر را ارائه می‌کنیم. در بخش سوم، چارچوب

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

نظری پژوهش و مفاهیم بنیادی مورد بحث در این زیربنای فکری را معرفی می‌نماییم. در بخش چهارم، ویژگی‌های ساختواژی نشانهٔ نفی در گویش دشتستانی را مشخص و سپس توزیع این نشانه را در جملات پرسشی بلی‌ـخیر بررسی می‌کنیم. بخش پایانی به نتیجه‌گیری از بحث‌ها و بررسی‌های مقاله اختصاص دارد.

۲. پیشینهٔ پژوهش

بررسی ارتباط احتمالی بین نشانهٔ نفی و گروه متمم‌نما موضوع مطالعات بسیاری بوده است. به‌باور مسکاتی، بسیاری از زبان‌ها از ابزارهای ساختواژی ویژه‌ای برای بیان نفی در گروه متمم‌نما استفاده می‌کنند (Moscati, 2006: 39). او به مواردی اشاره می‌کند که در آن‌ها، نشانهٔ نفی باوجود تولید در یک جایگاه متفاوت در لایهٔ تصریف[۷]، ممکن است در فرافکن بیشینهٔ گروه متمم‌نما تعبیر شود. او این جایگاه ثانویه را ناشی از فرآیند ارتقاء نشانهٔ نفی[۸] می‌داند. برای مثال، او مدعی است که دستورنویسان سنتی لاتین عناصر ne و quin را متمم نماهای منفی تلقی کرده‌اند (*Ibid*: 52).

1. Veni ne hominem videam
   came-1s CompNeg man-acc see-1s-subj

آمدم تا آن مرد را نبینم.

همان‌گونه که در مثال بالا از زبان لاتین مشخص است، ne در بند درونه‌ای به‌طور هم زمان نقش‌های متمم‌نما و عنصر منفی‌ساز را ایفا می‌کند.

آبو (۱۹۹۹) معتقد است که در زبان گیبی[۹]، استفاده از ă از یک سو و کاربرد هم‌زمان mú و ò از سوی دیگر، دو شیوهٔ معمول برای بیان نفی جمله‌ای هستند.

2. Kòkú ná xò àsòn ò **ă**
   Koku Fut buy crab Det Neg

ککو آن خرچنگ را نخواهد خرید.

3. Kòfí *(**mú**) ↘ù nú *(**ò**)
   Kofi Neg eat thing Neg

کوفی [غذا] نخورد.

او سپس با مفروض داشتن جایگاه نشانهٔ نفی در لایهٔ متمم‌نما در آن زبان، ادعا می‌کند که

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

در مثال‌هایی ازنوع مثال بالا که نشانهٔ نفی در انتهای جمله قرار دارد، ǎ و ò در هستهٔ گروه متمم‌نما قرار دارند و سایر عناصر جمله به جایگاه مشخصگر گروه متمم‌نما حرکت کرده‌اند.

هان[10] مدعی است که در زبان بلغاری، یکی از شیوه‌های ساخت جملات پرسشی منفی مستلزم حرکت فعل به‌همراه نشانهٔ نفی به جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما است که در این صورت، جمله به‌طور هم‌زمان دارای خوانش پرسشی بلی‌ـخیر و خوانش منفی است (Han, 1998: 68).

4. Ne pie li Ivan kafe ili caj?
Neg drink li Ivan coffee or tea

آیا ایوان درحال نوشیدن قهوه یا چای نیست؟

پروگواچ (۱۹۹٤) معتقد است که گروه متمم‌نمای تحت دامنهٔ افعالی مانند «doubt» در بند اصلی ممکن است میزبان یک مشخصهٔ نفی باشد:

5. I doubt [ForceP $_{[+neg]}$ that [IP you saw anybody

مک‌کلانسکی (۱۹۷۹) معتقد است که عنصر nach در زبان ایرلندی[11] به‌طور هم‌زمان نقش عنصر متمم‌ساز و منفی‌ساز را ایفا می‌کند و ازاین‌رو، وی جایگاه این عنصر را در فرافکن گروه متمم‌نما درنظر گرفته است (McCloskey, 1979: 86).

6. Nach mbuaileann se a bhean
NEG+COMP beats he his wife

آیا او زنش را کتک نمی‌زند؟

در زبان فارسی نیز حرکت فعل به هستهٔ گروه متمم‌نما در بندهای اصلی بررسی شده است. کریمی معتقد است که جملات پرسشی بلی‌ـخیر ممکن است انگیزهٔ لازم برای جابه‌جایی این سازه به جایگاه آغازین جمله را فراهم کنند (Karimi, 2001)؛ بنابراین، او جایگاه سازهٔ فعلی پیشین‌شده در ساخت‌های پرسشی بلی‌ـخیر را هستهٔ گروه متمم‌نما درنظر می‌گیرد (Karimi, 1994: 55).

7. Amad Kimea?
(Karimi, 2001)

از این نظر، می‌توانیم به‌طور تلویحی این امر را بپذیریم که فعل منفی نیز در فارسی ممگن است با حرکت از جایگاه اولیهٔ خود، در هستهٔ گروه متمم‌نما قرار گیرد.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

در گویش دشتستانی نیز پیشین‌شدگی فعل در ساخت‌های پرسشی بلی‌ـخیر مثبت و منفی رواج دارد. با این‌حال، به‌نظر می‌رسد که برخلاف فارسی، در جملات پرسشی بلی‌ـخیر منفی در این گویش، نشانهٔ نفی غیرمنضم به فعل ممکن است به‌تنهایی و بدون حضور فعل، در هستهٔ گروه مذکور قرار گیرد و به‌طور هم‌زمان، تعبیر پرسشی و منفی از جمله به‌دست دهد.

به این ترتیب، با توجه به اهمیت گروه متمم‌نما در توزیع نحوی مشخصهٔ نفی جمله‌ای، درادامه شیوهٔ خوانش جملات پرسشی بلی‌ـخیر منفی در گویش دشتستانی را بررسی خواهیم کرد. تا جایی که اطلاع داریم، تاکنون هیچ پژوهشی در این زمینه انجام نشده است.

۳. چارچوب نظری و مفاهیم

۳-۱. برنامهٔ کمینه‌گرا

چارچوب پژوهش حاضر برنامهٔ کمینه‌گرای چامسکی (۱۹۹۵، ۲۰۰۱) است. این برنامه بر اصل اقتصادی بودن، استوار است که براساس آن، اشتقاق‌ها و سطوح نحوی تشکیل‌دهندهٔ توانش زبانی باید مطابق با معیار «اقتصاد» باشند (Lasnik, 2002: 432) و جملات با کمترین هزینه تولید شوند (Chomsky, 2015: 81). برخلاف سازکار «حرکت»[۱۲] (سازه یا مشخصه)، فرآیند «ادغام»[۱۳] در این برنامه بی‌هزینه است (Chomsky, 2015: 208). وجود حرکت تقریباً به نقشی وابسته است که مشخصه‌های واژگانی در سطوح رابط نظام محاسباتی ایفا می‌کنند (Hornstein & et-al, 2005: 291). برخی از این مشخصه‌ها در سطح صورت منطقی تعبیرپذیر[۱۴] و برخی دیگر تعبیرناپذیر[۱۵] هستند (Ibid). به‌منظور همگرایی[۱۶] جمله، مشخصه‌های تعبیرناپذیر باید قبل از سطح صورت منطقی، حذف شوند (Ibid: 292). حذف مشخصه‌های تعبیرناپذیر طبق بازبینی مشخصه‌ها[۱۷] (Zeijlstra, 2004: 14) در رابطهٔ مشخصگر‌ـهسته[۱۸] (Chomsky, 1995) و ازطریق سازکارهای حرکت یا مطابقه[۱۹] صورت می‌گیرد. چون مطابقه مستلزم حرکت نیست، از حرکت سازه‌های نحوی اقتصادی‌تر است؛ مانند بازبینی ازطریق حرکت. در نظام مطابقه نیز مشخصه‌ها ازلحاظ «تعبیر(نا)پذیری» و «قدرت» طبقه‌بندی می‌شوند و در این راستا، حرکت آشکار از مشخصه های «قوی» تلقی می‌شود.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

۲-۳. نفی جمله

نفی عمدتاً به دو گروه «نفی جمله»[۲۰] و «نفی سازه»[۲۱] تقسیم می‌شود (Klima, 1964). چنانچه کل گزاره در دامنهٔ نشانهٔ نفی قرار گیرد، نفی ازنوع نفی جمله است و اگر دامنهٔ نفی به یک سازهٔ خاص محدود شود، نفی ازنوع نفی سازه خواهد بود (Zeijlstra, 2004: 47). دامنهٔ نفی جمله کل یک جمله‌واره را دربرمی‌گیرد و این نشانه روی فعل خودایستا ظاهر می‌شود (Jesperson, 1917; Klima, 1964). زانوتینی معتقد است که نشانهٔ نفی جمله ممکن است در جایگاه قبل از فعل (ایتالیایی)، بعد از فعل (اکسیتان[۲۲]) و نیز قبل و بعد از فعل (فرانسوی) قرار گیرد (Zanuttini, 1997b: 3-5). از سوی دیگر، پاین (۱۹۸۵) برای منفی‌سازی جمله، چهار شیوه را پیشنهاد داده است که عبارت‌اند از: ۱. استفاده از یک نشانهٔ نفی که دارای ویژگی‌های یک فعل کمکی خودایستا به‌علاوهٔ یک فعل واژگانی به‌صورت وجه وصفی ناخودایستا است؛ ۲. استفاده از یک نشانهٔ نفی که به‌صورت یک «جزء قیدی» است؛ ۳. استفاده از نشانهٔ نفی به‌عنوان یک عنصر پیشوند، پسوند و یا میانوند و ٤. استفاده از یک نشانهٔ نفی که از ویژگی‌های فعلی برخوردار است. ازدیدگاه وی، همهٔ زبان‌ها حداقل یکی از این شیوه‌ها و برخی نیز بیش از یک شیوه را به‌کار می‌برند (Payne, 1985; Zanuttini, 2001).

دربارهٔ ماهیت دستوری نشانهٔ نفی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا این نشانه از یک «مقولهٔ نحوی مستقل» تشکیل شده است یا نوعی «قید» است که به فعل منضم می‌شود. پالاک (۱۹۸۹) پیشنهاد داده است که عناصر نقشی مانند مطابقه، نفی یا زمان هسته‌های مستقلی تلقی می‌شوند که مقوله‌های گروهی خود را فرافکن می‌کنند. این فرضیه با این ادعای چامسکی (۱۹۸٦) سازگار است که عناصر نقشی و عناصر واژگانی ویژگی‌های گروهی مشابهی دارند؛ یعنی نشانه‌های نفی عناصری هستند که هستهٔ یک مقولهٔ نحوی مستقل را تشکیل می‌دهند، مقولهٔ گروهی خود را فرافکن می‌کنند و ویژگی‌های معنایی آن‌ها نیز در منفی کردن مفهوم یک گزاره نقش دارد. پالاک این گروه را «گروه نفی» نام نهاده است. گروه نفی از یک هسته و یک مشخصگر تشکیل شده است (Taleghani, 2008: 108) و برای تجویز جملات منفی، تطابق بین مشخصگر و هسته الزامی است (Haegeman & Zanuttini, 1991; Haegeman, 1995: 93).

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

نشانهٔ نفی ممکن است در هستهٔ گروه نفی یا در مشخصگر آن قرار بگیرد (کواک[۲۳]، ۱۳۸۷: ۳۳). زانوتینی به‌پیروی از پالاک (۱۹۸۹)، این ایده را مطرح می‌کند که نشانه‌های نفی قبل از فعل، هستهٔ گروه نفی و نشانه‌های نفی بعد از فعل، قید به‌شمار می‌روند (Zanuttini, 1997a: 238; Zanuttini, 1997b: 24). اگر نشانهٔ نفی بتواند تمام جمله را منفی کند، در جایگاه هستهٔ گروه نفی قرار می‌گیرد؛ اما نشانه‌ای که نتواند جمله را منفی کند و نیازمند حضور یک نشانهٔ منفی دیگر نیز باشد، در هستهٔ گروه نفی قرار نمی‌گیرد (Zanuttini, 1997b; Haegeman, 1995; Zeijlstra, 2004: 167-168).

به‌نظر زیلسترا، تفاوت اساسی بین زبان‌ها ازنظر جایگاه نشانهٔ نفی ماقبل فعل در جمله، از تمایز میان دو جایگاه تولید یا درج اولیهٔ[۲۴] متفاوت مربوط به نشانهٔ نفی در هستهٔ گروه نفی یا روی فعل خودایستا در هستهٔ گروه فعلی بزرگ[۲۵] ناشی شده است. او معتقد است که کشف رابطهٔ بین نشانهٔ نفی در این دو جایگاه مهم است (Zeijlstra, 2004: 167-168). به‌باور او، در زبان‌هایی که نشانهٔ نفی روی فعل خودایستا تولید می‌شود، نشانهٔ نفی تولیدشده یک مشخصهٔ [– منفی][۲۶] است که باید حذف شود. این مشخصه باید بیرون از سیطرهٔ فعل باشد تا بتواند یک گروه بیشینهٔ نفی را فرافکن کند. به این ترتیب، در چنین زبان‌هایی، مشخصهٔ [– منفی] از جایگاه هستهٔ فعل بزرگ حرکت می‌کند، در جایگاه هستهٔ گروه نفی قرار می‌گیرد، با مشخصهٔ [+ منفی][۲۷] روی عملگر نفی[۲۸] تهی در مشخصگر گروه نفی تطابق می‌یابد و از این رهگذر، مشخصهٔ [– منفی] روی نشانهٔ نفی درقالب مطابقهٔ مشخصگر و هسته حذف می‌شود (*Ibid*).

8. $[_{NegP}\ Op\ \neg_{[iNEG]}\ Neg^{O}{}_{[uNEG]}\ [_{vP}\ v^{o}{}_{[uNEG]i}\ [_{VP}\ V -_{[uNEG]i}]]]$

مطابقه حرکت حرکت

زبان‌ها برحسب رفتار حرکت فعل با مشخصهٔ [– منفی] با یکدیگر تفاوت دارند. در زبان‌های SOV، مقولهٔ فعل خودایستا از جایگاه تولید حرکت نمی‌کند و تنها مشخصهٔ [– منفی] پیش از خروج از فاز فعلی، به هستهٔ گروه فعلی پوسته‌ای (v^{o}) می‌رود. با این‌حال، این مشخصه در زبان‌های SVO به‌همراه فعل خودایستا از فاز فعلی خارج می‌شود تا گروه نفی خود را فرافکن کند (Zeijlstra, 2004: 169).

ارتباط میان نشانهٔ نفی و هستهٔ آن درقالب «معیار نفی»[۲۹] به‌صورت زیر مطرح شده است

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

(Haegeman & Zanuttini, 1991):

الف. هر عملگر نفی باید در رابطهٔ مشخصگر-هسته با یک هستهٔ نفی باشد.

ب. هر هستهٔ نفی باید در رابطهٔ مشخصگر-هسته با یک عملگر نفی باشد.

طبق معیار نفی هگمن و زانوتینی (۱۹۹۱)، تطابق بین مشخصگر-هسته برای تجویز جملات منفی الزامی است؛ بنابراین، پیشنهاد شده است که هستهٔ گروه نفی جایگاه نشانهٔ نفی و مشخصگر این گروه جایگاه یک عملگر نفی تهی است. نشانهٔ نفی موجود روی هسته علاوه بر مشخصهٔ [+ منفی]، از مشخصهٔ [− فعلی] نیز برخوردار است که با مشخصهٔ متناظر [+ فعلی] روی فعل تطابق می‌یابد. براساس دیدگاه صرف توزیع‌شدهٔ هاله و مارانتز (۱۹۹۳)، نشانهٔ نفی بعد از سطح نحو به‌صورت نشانهٔ نفی آشکار ظاهر می‌شود (کواک، ۱۳۸۷: ۹۶).

علاوه‌بر ساخت درونی گروه نفی، شناخت جایگاه این گروه در ساخت سلسله‌مراتبی جمله نیز اهمیتی حیاتی دارد. به‌نظر می‌رسد که جایگاه گروه نفی در سلسله‌مراتب فرافکن‌های دستوری جمله، یک پارامتر جهانی است. جایگاه فرافکن نفی درمقایسه با سایر گروه‌های نقشی، از یک ترتیب جهانی پیروی نمی‌کند؛ بلکه یک تغییر پارامتری است که درقالب «پارامتر نفی»[۳۰] مطرح می‌شود. این تغییر پارامتری درقالب دو امکان زیر بیان می‌شود:

الف. نفی گروه فعلی پوسته‌ای (vP) را انتخاب می‌کند.

ب. نفی گروه زمان (TP) را انتخاب می‌کند (Ouhalla, 1990).

همچنین، به‌دلیل رعایت «شرط سازه‌فرمانی زمان»[۳۱] (Laka, 1991)، هستهٔ زمان باید در روساخت جمله، همهٔ هسته‌های نقشی دیگر را که عملگرهای گزاره‌ای محسوب می‌شوند، سازه‌فرمانی کند (Laka, 1991; Pollock, 1989)؛ بنابراین، در زبان‌هایی مانند فارسی (Taleghani, 2008: 114) که گروه نفی بر فراز گروه زمان قرار دارد، فعل یا فعل کمکی زماندار باید (در سطح آوایی یا منطقی) به جایگاه هستهٔ گروه نفی حرکت کند. در این جابه جایی، رعایت «محدودیت حرکت هسته» نیز الزامی است (Chomsky, 1986) که به‌موجب آن، هستهٔ X فقط می‌تواند به جایگاه هستهٔ Y حرکت کند که بر آن حاکمیت بلافصل دارد.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش، ابتدا ویژگی‌های ساختواژی نشانهٔ نفی را در گویش دشتستانی مشخص و سپس توزیع این نشانه در جملات پرسشی بلی‌خیر را بررسی می‌کنیم.

۴-۱. نشانهٔ نفی و ماهیت آن در گویش دشتستانی

نشانهٔ نفی جمله در گویش دشتستانی به‌صورت نشانهٔ «ne-» و به‌صورت‌های جایگزین «no- / ni» ظاهر می‌شود و نقش آن منفی کردن کل گزاره یا جمله است. ازمیان این صورت‌های متناوب، نشانهٔ «ne-» صورت پیش‌فرض تلقی‌می‌شود؛ زیرا در محیط‌های بسیار متنوع‌تری به کار می‌رود و بسیار قاعده‌مندتر است. صورت‌های «no-» و «ni-» نشانه‌هایی جایگزین هستند که رخداد آن‌ها به بافت‌های آوایی خاص (به‌ترتیب در بافت‌های مجاور واکه‌های پسین و باز (مثال ۹) و واکه‌های پیشین و بسته (مثال ۱۳)) محدود است.

به‌طور کلی، نشانهٔ نفی جمله در گویش دشتستانی در جایگاه‌های مختلفی در جمله قرار می‌گیرد. در حالت نخست، این نشانه در جایگاه پیش از ستاک فعلی در افعال ساده (مثال ۹)، قبل از فعل سبک در ساخت‌های فعلی مرکب (مثال ۱۰) و مجهول (مثال ۱۱)، پیش از صفت مفعولی گذشته (مثال ۱۲) و قبل از نشانهٔ نمود در برخی افعال دیگر (مثال ۱۳) به‌کار می‌رود و به‌تنهایی می‌تواند جمله یا گزارهٔ موجود در دامنهٔ خود را منفی کند[۳۲].

9. no-xârd-om
ا.ش.م – خورد – نفی

نخوردم.

10. temiz-eš ne-kerd-om
س.ش.م – تمیز نفی – کرد – ا.ش.م

تمیزش نکردم.

11. xârd-e ne-veɪ
اضافه – خورد نفی – شد

خورده نشد.

12. ne-raft-e Ø
اضافه – رفت – نفی است.تهی

نرفته است.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

13. ni-mi-xâs-em-eš
س.ش.م – ا.ش.م – خواست – نمود – نفی

آن را نمی‌خواستم.

با درنظر گرفتن طبقه‌بندی‌های ارائه‌شده از انواع نشانه‌های نفی در نمونه‌های بالا به وسیلهٔ دیدگاه زانوتینی (۱۹۹۷الف) و پاین (۱۹۸۵)، به‌نظر می‌رسد که در حالت بی‌نشان، نشانهٔ نفی در این گویش یک «نشانهٔ نفی متصل» است که به‌صورت پیش‌فرض، در جایگاه بلافصل «قبل از فعل» به‌کار می‌رود. نکتهٔ قابل توجه این است که نشانهٔ نفی در این گویش علاوه‌بر انضمام به جایگاه پیش از فعل به‌عنوان جایگاه بی‌نشان، در جایگاه دیگری نیز به‌کار می‌رود و از آن جایگاه، کل گزارهٔ تحت دامنهٔ خود را سازه‌فرمانی می‌کند. گفتنی است که این نشانه در ساخت‌های اخیر دارای تکیهٔ تأکیدی است (نشانهٔ نفی را با حروف برجسته نشان داده‌ایم). مثال ۱۵ بیانگر این موضوع است.

14. howâ xu ni
هوا خوب نفی – است

هوا خوب نیست.

15. howâ **ne** xuw-e
هوا نفی خوب – است

هوا خوب نیست.

در جملهٔ ١٤، نشانهٔ نفی به فعل اصلی منضم شده است. این جمله بی‌نشان‌ترین شکل از شیوهٔ ساخت جملات خبری منفی در این گویش است. همچنین، تولید جملاتی از این نوع در این گویش کاملاً قاعده‌مند است. در جملهٔ خبری شمارهٔ ۱۵، نشانهٔ نفی نوعی تأکید دارد و آهنگ تولید جمله افتان است. با اینکه نشانهٔ نفی به‌طور کلی تکیه‌بر است، نشانهٔ نفی غیرمنضم به فعل برجستگی تأکیدی بیشتری دارد. این نوع منفی‌سازی بیشتر درمورد جملات دارای فعل‌های اسنادی صادق است؛ هرچند گاه درمورد افعال اصلی نیز صدق می‌کند. جایگاه اخیر پیش از متمم‌های گروهی جمله (گروه صفتی، گروه اسمی و گروه حرف اضافه‌ای) است.

در بخش بعد، توزیع نشانهٔ نفی در جملات پرسشی بلی‌ـخیر را بررسی می‌کنیم. قبل از ورود به این بحث، باید برخی از مفروضات را بیان کنیم. در این پژوهش، به پیروی از پالاک (۱۹۸۹)، لاکا (۱۹۹۱)، هگمن و زانوتینی (۱۹۹۱) و هگمن (۱۹۹۵)، این فرض را می‌پذیریم که نفی در گویش دشتستانی یک «گروه نفی» را تشکیل می‌دهد. همچنین، به پیروی از هگمن و

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

زانوتینی (۱۹۹۱)، جایگاه نشانهٔ نفی در این گویش را در هستهٔ گروه نفی قلمداد می‌کنیم. به منظور اقناع معیار نفی برای تجویز جملات منفی، جایگاه مشخصگر گروه نفی را به‌پیروی از هگمن و زانوتینی (۱۹۹۱) و زانوتینی (Zanuttini, 1997: 44)، جایگاه عملگر تهی نفی فرض می‌کنیم. جایگاه گروه نفی در این گویش در حالت بی‌نشان، بر فراز گروه زمان (TP) است که به‌منظور رعایت شرط سازه‌فرمانی زمان (Laka, 1991)، هستهٔ زمان (فعل یا فعل کمکی زماندار) تا پیش از سطح صورت آوایی به جایگاه هستهٔ گروه نفی حرکت می‌کند و در این حرکت، محدودیت حرکت هستهٔ چامسکی (۱۹۸٦) نیز رعایت می‌شود[۳۳].

۲-۴. نفی در جملات پرسشی بلی‌ـخیر

کاربرد نشانهٔ نفی در جایگاه آغازین جملات پرسشی بلی‌ـخیر در گویش دشتستانی کاملاً قاعده‌مند و قابل پیش‌بینی است و همهٔ انواع فعل (سببی، اصلی، مرکب، پیچیده و ساده) تحت شمول این قاعده قرار می‌گیرند. در چنین حالتی، نشانهٔ نفی از تکیهٔ تأکیدی برخوردار است. الگوی آهنگ جمله نیز خیزان است؛ الگویی که خاص جملات پرسشی ازنوع بلی‌ـخیر یا قطبی است. از چنین جملاتی، هم مفهوم سؤالی و هم مفهوم منفی استنباط می‌شود.

16. **ne** ʔi xaš-ter-e?
? است – تفضیلی – خوش این نفی

این خوشمزه‌تر نیست؟

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا جایگاه نشانهٔ نفی در ساخت سلسله‌مراتبی جملات پرسشی، حاصل ادغام سازه‌ای جدید است یا نتیجهٔ حرکت نشانهٔ نفی از فرافکنی مشابه در جایگاهی پایین‌تر. به سخن دیگر، ارتباط بین جایگاه نشانهٔ نفی در آغاز جملات پرسشی بلی‌ـخیر با سایر جایگاه‌های مربوط به نشانهٔ نفی جمله در این گویش چگونه تبیین می‌شود؟ پاسخ به این پرسش مستلزم آگاهی از ویژگی‌های نشانهٔ نفی در آن دسته از جملات خبری است که ساخت‌های پرسشی بلی‌ـخیر از آن‌ها حاصل می‌شوند. درادامه، به‌طور خلاصه ماهیت و جایگاه نشانهٔ نفی در جملات خبری را بررسی می‌کنیم.

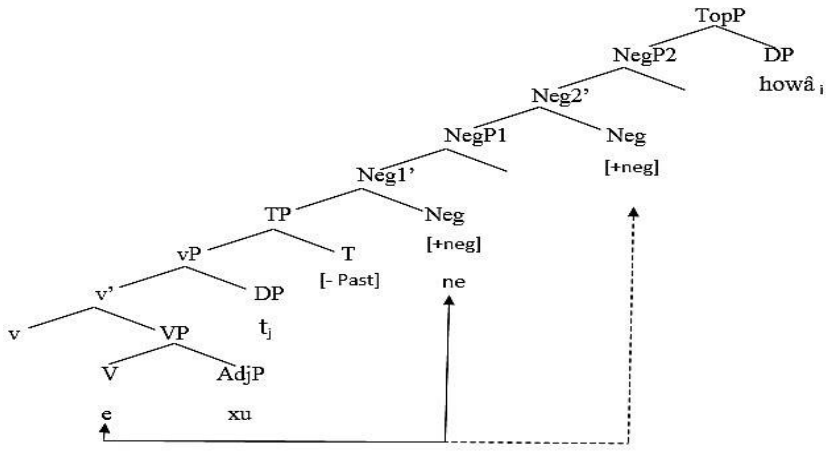
نشانهٔ نفی متصل در جایگاه بلافصل قبل از فعل، پس از تولید در جایگاه هستهٔ گروه نفی،

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

با فعل تطابق می‌یابد. در این مطابقه، مشخصهٔ [– منفی] روی فعل و نیز مشخصهٔ [– فعلی] روی نشانهٔ نفی بازبینی و حذف می‌شود (مثال ۱۷ و نمودار ۱).

17. howâ xu ni.
هوا خوب نفی – است

هوا خوب نیست.



نمودار ۱: مطابقهٔ فعل با نشانهٔ نفی متصل و نشانهٔ نفی منفصل

Diagram 1. Agree between the verb and the negative prefix / negative particle

از سوی دیگر، در جملاتی که در ساخت ظاهری آن‌ها، نشانهٔ نفی قبل از متمم‌های گروهی جمله (گروه اسمی، گروه صفتی و گروه حرف اضافه‌ای) قرار دارد، نشانهٔ نفی در جایگاه هستهٔ یک گروه نفی متفاوت (NegP2) با ویژگی‌های متمایز در جایگاه بالاتر تولید می‌شود و به‌دلیل عدم انضمام به فعل در ساخت آوایی، در همان جایگاه تولید، باقی می‌ماند (مثال ۱۸ و نمودار ۱). این نشانه یک «نشانهٔ نفی منفصل» است، نه یک «نشانهٔ نفی متصل». همچنین، جایگاه این نشانهٔ نفی بعد از فاعل است؛ زیرا همان‌گونه که در مثال ۱۹ مشخص است، کاربرد نشانهٔ نفی در چنین ساخت‌هایی، در جایگاه قبل از فاعل به تولید ساختی غیردستوری منجر می‌شود.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

18. howâ **ne** xuw-e.
هوا نفی خوب – است

هوا خوب نیست.

19. *ne howâ xuw-e.

دلیل قائل شدن به یک جایگاه تولید متفاوت برای نشانهٔ نفی در مثال‌های ۱۷ و ۱۸ این است که ازلحاظ نظری، امکان ندارد که مشخصهٔ [منفی] به‌طور هم‌زمان هم دارای مشخصهٔ قوی باشد و به فعل بچسبد و هم دارای مشخصهٔ ضعیف باشد و به فعل منضم نشود. همچنین، رفتار صرفی نشانهٔ نفی در جایگاه بلافصل قبل از فعل از یک طرف و قبل از متمم های گروهی و نیز قبل از جملات پرسشی از طرف دیگر تاحدی متفاوت است. نشانهٔ نفی منفصل علاوه‌بر اینکه برجستگی تأکیدی بیشتری دارد، فقط به‌صورت نشانهٔ تغییرناپذیر «ne» ظاهر می‌شود؛ درحالی که نشانهٔ نفی متصل، بسته به بافت آوایی، صورت‌های متفاوتی دارد. از سوی دیگر، قائل شدن به سازکار «حرکت» نیز در اولویت نیست؛ زیرا در برنامهٔ کمینه‌گرا، فرآیند حرکت درمقایسه با فرآیند ادغام پرهزینه‌تر است. به این ترتیب، محتمل‌ترین استدلال، قائل شدن به یک جایگاه تولید متفاوت ازطریق فرآیند ادغام است.

اکنون جایگاه نشانهٔ نفی در جملات پرسشی بلی‌ـخیر را تبیین می‌کنیم. همان‌طور که در نمودار ۱ مشخص است، جایگاه گروه نفی غیرمنضم به فعل (NegP2) بالاتر از جایگاهی است که نشانهٔ نفی منضم به فعل (NegP1) در آن تولید می‌شود. درادامه، با ارائهٔ چند نمونه نشان می‌دهیم که جایگاه نشانهٔ نفی موجود در ابتدای جملات پرسشی از دو جایگاه دیگر نشانهٔ نفی بالاتر است. همچنین، نشان خواهیم داد که هستهٔ گروه متمم‌نما به‌دلیل برخورداری از برخی ویژگی‌هایی خاص، می‌تواند جایگاه فرود مناسبی را برای نشانهٔ نفی در جملات پرسشی فراهم کند و بنابراین، تولید یک فرافکن نفی جدید الزامی نیست.

شاهد اول درزمینهٔ بالاتر بودن جایگاه نشانهٔ نفی در جملات پرسشی درمقایسه با دو جایگاه دیگر نشانهٔ نفی این است که نشانهٔ نفی در جملات پرسشی بلی‌ـخیر این قابلیت را دارد که قبل از فاعل قرار گیرد؛ اما در جملات خبری، کاربرد نشانهٔ نفی قبل از فاعل به تولید ساختی غیردستوری منجر می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که جایگاه نشانهٔ نفی در ساخت سلسله‌مراتبی جمله در این دو گروه از جملات با یکدیگر متفاوت است.

20. *ne howâ xuw-e. (جملهٔ خبری)

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

شاهد دوم نبودن هرگونه نشانه یا عنصر پرسشی بلی‌ـخیر آشکار در جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما در جملات پرسشی بلی‌ـخیر مثبت در گویش دشتستانی است. در برخی از زبان‌ها، جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما در جملات پرسشی بلی‌ـخیر مثبت و منفی به‌وسیلهٔ فعل اصلی یا فعل کمکی زماندار اشغال می‌شود؛ مانند زبان انگلیسی (Zanuttini, 1997a; Zanuttini, 1997b: 47)[۳۴]. با این‌حال، در برخی گونه‌های زبانی دیگر، ازجمله گویش دشتستانی، این جابه‌جایی در جملهٔ پرسشی بلی‌ـخیر مثبت در سطح ظاهری نمایان نمی‌شود. این واقعیت نشان می‌دهد که زبان‌های اخیر هیچ‌گونه نشانهٔ پرسشی بلی‌ـخیر در جایگاه هستهٔ گروه متمم نما ندارند. به این ترتیب، می‌توانیم استدلال کنیم که در زبان‌های اخیر، فعل اصلی یا فعل کمکی زماندار در جملات پرسشی بلی‌ـخیر در سطح صورت منطقی به جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما در جملات پرسشی بلی‌ـخیر حرکت می‌کند تا تعبیر پرسشی بودن جمله را به‌دست دهد. همچنین، می‌توانیم دامنهٔ این استدلال را به جملات پرسشی بلی‌ـخیر منفی نیز تعمیم دهیم. جملات پرسشی بلی‌ـخیر منفی نشانهٔ پرسشی بلی‌ـخیر را در جایگاه هستهٔ گروه متمم نما ندارند و ممکن است که عناصر دیگر این جایگاه را اشغال کنند. ممکن است فعل اصلی یا فعل کمکی زماندار به‌همراه نشانهٔ نفی منضم به آن و یا نشانهٔ نفی غیرمنضم به فعل به‌تنهایی یکی از همین عناصر باشند.

شاهد سوم در این زمینه، غیردستوری بودن جملاتی است که در آن‌ها، نشانهٔ نفی در جملات پرسشی بلی‌ـخیر در جایگاه آغازین جمله قرار گرفته و در الگوی آهنگ جمله هیچ تغییری ایجاد نکرده است (مثال ۲۱).

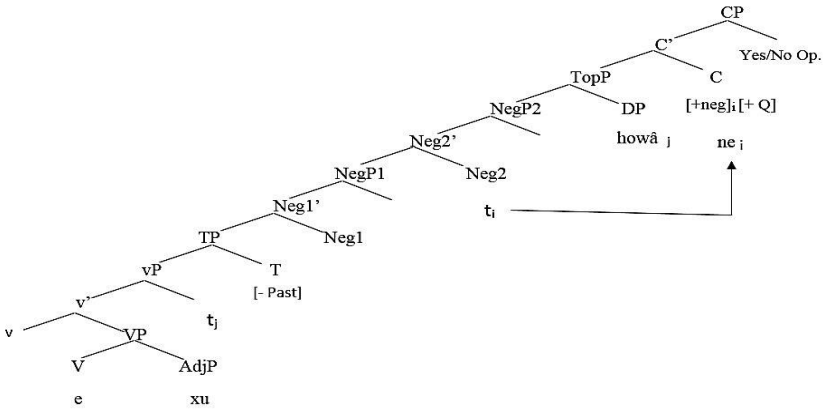
21. *ne howâ xuw-e? (آهنگ افتان)

این واقعیت، علاوه‌بر اینکه بر ماهیت پرسشی‌ساز بودن نشانهٔ نفی موجود در جایگاه آغازین جملات پرسشی بلی‌ـخیر دلالت می‌کند، لزوم قائل شدن به جایگاهی متفاوت در جایگاه‌های بالاتر در ساخت سلسله‌مراتبی جمله را برای این نشانه نسبت‌به نشانهٔ نفی در جملاتی نظیر مثال ۱۸ اثبات می‌کند.

با توجه به شواهد بالا، به‌نظر می‌رسد که نشانهٔ نفی منفصل (نه نشانهٔ نفی متصل) از جایگاه هستهٔ گروه نفی حرکت می‌کند و در جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما می‌نشیند. این حرکت

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

متضمن این نکته است که نشانهٔ نفی در جملات پرسشی بلی‌ـخیر با نشانهٔ نفی منفصل شباهت بیشتری دارد؛ زیرا نشانهٔ نفی در این‌گونه جملات پرسشی بیشتر به‌صورت تغییرناپذیر «ne» به‌کار می‌رود و به هیچ عنصر دیگری، مانند فعل زماندار و فعل کمکی، انضمام نمی‌یابد. در این حرکت، فاعل نیز پس از عبور از مشخصگر نشانهٔ نفی، در جایگاه مشخصگر گروه مبتدا (TopP) می‌نشیند و از این طریق، محدودیت حرکت هستهٔ چامسکی (۱۹۸٦) نیز رعایت می‌شود.



نمودار ۲: حرکت نشانهٔ نفی به هستهٔ گروه متمم‌نما

Diagram 2. The movement of the negative particle to C^o

۱-۲-۴. شواهد فرازبانی

نتایج به‌دست‌آمده از مطالعات دیگر نیز ادعای بالا، مبنی‌بر فرود نشانهٔ نفی در جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما را تأیید می‌کنند. زانوتینی بیان می‌کند که ویژگی‌های نحوی جملات پرسشی بلی‌ـخیر حاصل تعامل دو نکته است؛ از یک سو، این جملات یک عملگر پرسشی بلی‌ـخیر دارند که در جایگاه مشخصگر قرار دارد و تعبیر پرسشی آن‌ها را امکانپذیر می‌سازد و از سوی دیگر، به رعایت این اصل کلی ملزم هستند که هستهٔ فرافکن دربرگیرندهٔ هر عملگر باید با مشخصه‌های مشخصگر خود در تطابق مشخصگر‌ـهسته باشد (Zanuttini, 1997a;

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

(Zanuttini, 1997b: 43-44). درمورد جملات پرسشی بلی‌ـخیر، این واقعیت به این معنی است که هسته‌ای که عملگر پرسشی در جایگاه مشخصگر آن قرار دارد، باید مشخصه‌هایی داشته باشد که با مشخصه‌های عملگر بلی‌ـخیر منطبق باشد. این معیار درصورتی اقناع می شود که این هسته یا دارای مشخصه‌های فعل زماندار باشد که ازطریق گروه زمان و به منظور بازبینی مشخصه‌های زمان به این جایگاه ارتقاء یافته است و یا از مشخصه‌های نشانهٔ نفی برخوردار باشد.

به‌عقیدهٔ مسکاتی، در برخی از موارد، نشانهٔ نفی ممکن است در جایگاهی متفاوت با جایگاه تولید خود تعبیر شود و جایگاه متمم‌نما در حاشیهٔ سمت چپ جمله ممکن است راهکار مناسبی را برای خوانش دامنهٔ گستردهٔ نفی به‌وجود آورد؛ زیرا عملگر نفی بدون درنظر گرفتن جایگاه گروه نفی، در این گروه تعبیر می‌شود (Moscati, 2006: 9-10).

وایس نیز به وجود نشانهٔ نفی تهی یا پوچ در جملات پرسشی در زبان بایرنی[۳۵] اعتقاد دارد (Weiss, 2002: 324-325). او مدعی است که در بسیاری از زبان‌ها، ازجمله بایرنی، چینی و ایتالیایی، نشانهٔ نفی ممکن است جایگزین نشانهٔ پرسشی در جملات پرسشی بلی‌ـخیر شود.

طبق داده‌ها و شواهد بالا، استدلال می‌کنیم که نشانهٔ نفی در جایگاه آغازین جملات پرسشی بلی‌ـخیر منفی در گویش دشتستانی، در جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما قرار دارد. این جایگاه در برخی از زبان‌ها به‌وسیلهٔ فعل اصلی یا فعل کمکی زماندار مثبت یا منفی اشغال می شود و در برخی زبان‌های دیگر، فعل اصلی یا فعل کمکی زماندار در جای خود ثابت می‌ماند و به این جایگاه حرکت نمی‌کند. در چنین زبان‌هایی، فرض شده است که یک عملگر تهی و یا نشانهٔ نفی آشکار در جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما قرار می‌گیرد تا با عملگر پرسشی بلی‌ـخیر که در جایگاه مشخصگر این گروه قرار دارد، تطابق یابد و معیار نفی را اقناع کند. به این ترتیب، در جملات پرسشی بلی‌ـخیر منفی گویش دشتستانی، جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما به وسیلهٔ یک نشانهٔ نفی آشکار اشغال می‌شود تا تعبیر پرسشی منفی جمله را به‌دست دهد.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

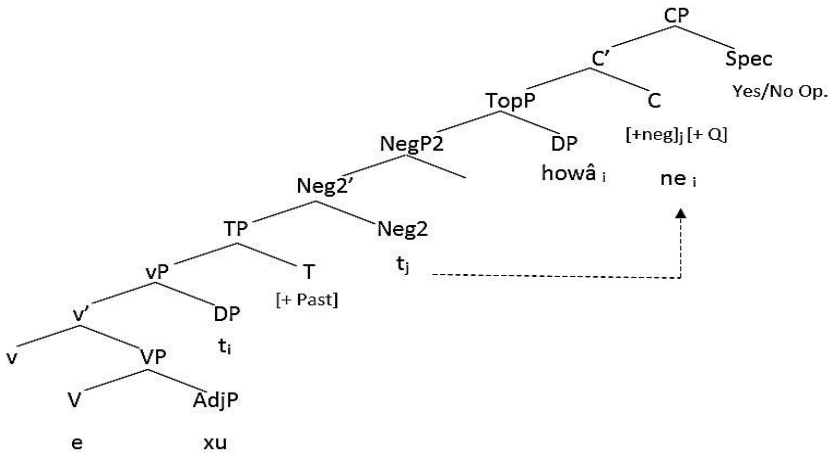
۲-۲-۴. حرکت در سطح صورت منطقی

بخش دیگری از بحث درمورد جملات پرسشی بلی‌ـخیر منفی در گویش دشتستانی به جملاتی اختصاص دارد که در آن‌ها، نشانهٔ نفی منفصل در جایگاه تولید خود در سطح نحوی قرار دارد و تعبیر پرسشی از جمله نیز به‌دست می‌دهد. مثال ۲۳ این حقیقت را نشان می‌دهد. جملاتی از این دست، صورت متناظر جملاتی مانند جملهٔ ۲۲ هستند که در آن‌ها، نشانهٔ نفی در جایگاه آغازین جملهٔ پرسشی قرار می‌گیرد و تعبیر پرسشی بلی‌ـخیر منفی را از کل گزاره به‌دست می‌دهد. در این مقاله، استدلال می‌کنیم که در مثال‌هایی ازنوع نمونهٔ ۲۳، نشانهٔ نفی در سطح صورت منطقی حرکت می‌کند و در جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما قرار می‌گیرد.

22. **ne** ʔi xaš-ter-e?
23. ʔi **ne** xaš-ter-e?

آهنگ جملات ۲۲ و ۲۳ خیزان و پرسشی است و دامنهٔ نشانهٔ نفی، کل گزاره را دربر می گیرد. نمودار ۳ به جملهٔ ۲۳ مربوط است. در این نمودار، نشانهٔ نفی منفصل که به فعل منضم نمی‌شود و از تکیهٔ تأکیدی نیز برخوردار است، در هستهٔ گروه نفی به‌عنوان نشانهٔ نفی منفصل (درمقایسه با نشانهٔ نفی متصل) بر فراز گروه زمان تولید می‌شود؛ اما از آنجا که این جمله از تعبیر پرسشی برخوردار است، به‌نظر می‌رسد که این نشانهٔ نفی از جایگاه اصلی خود در هستهٔ گروه نفی به‌عنوان نشانهٔ نفی منفصل حرکت می‌کند و در جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما قرار می‌گیرد تا تعبیری پرسشی از جمله ارائه کند. از آنجا که در سطح ظاهری، نشانهٔ نفی «ne» در زیر فاعل قرار دارد، استدلال می‌کنیم که این نشانه در سطح صورت منطقی حرکت می‌کند تا با قرار گرفتن در جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما، ضمن اقناع معیار نفی و فراهم شدن تعبیر پرسشی برای جمله، کل گزاره را تحت دامنهٔ خود قرار دهد.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]



نمودار ۳: حرکت نشانهٔ نفی به هستهٔ گروه متمم‌نما در سطح صورت منطقی
Diagram 3. The movement of the negative particle to C^o at LF

۳-۲-۴. آهنگ

در اینجا، باید سازکاری پیشنهاد دهیم که دستوری بودن جملهٔ ۲۵ و غیردستوری بودن جملهٔ ۲٤ را توجیه کند. برخلاف جملات پرسشی بلی‌ـخیر منفی چون جملهٔ ۲۵ که آهنگ خیزان و پرسشی دارند، جملهٔ ۲٤ این الگوی آهنگی را ندارد و به تولید ساختی غیردستوری منجر شده است.

24. *ne howâ xuw-e? (آهنگ افتان)
25. **ne** howâ xuw-e? (آهنگ خیزان)

براساس چارچوب تحلیلی پذیرفته‌شده در این مقاله، رفتار این دو جمله را این‌گونه توجیه می‌کنیم که نشانهٔ نفی جمله در آغاز جمله‌ای نظیر جملهٔ ۲۵، پس از تولید در جایگاه هستهٔ گروه نفی به‌عنوان نشانهٔ نفی منفصل، به‌صورت آشکار به جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما حرکت می‌کند تا تعبیر پرسشی بلی‌ـخیر جمله را فراهم کند؛ اما جملهٔ ۲٤ این حرکت را ندارد و نشانهٔ نفی حتی در سطح صورت منطقی نیز جابه‌جا نمی‌شود. به این ترتیب، مطابقت لازم بین عملگر پرسشی بلی‌ـخیر در جایگاه مشخصگر گروه متمم‌نما و مشخصه‌های موجود در هستهٔ این گروه برقرار نمی‌شود و درنتیجه، ساختی غیردستوری تولید می‌شود.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

۵. نتیجه‌گیری

در مقالهٔ حاضر، توزیع نشانهٔ نفی جمله در جملات پرسشی بلی‌ـخیر منفی در گویش دشتستانی را بررسی کردیم. ابتدا به پیروی از پالاک (۱۹۸۹)، هگمن (۱۹۹۵)، زانوتینی (۲۰۰۱) و لاکا (۱۹۹۱)، وجود گروه نحوی مستقل نفی را پذیرفتیم. همچنین، پذیرفتیم که در جایگاه هستهٔ این فرافکن، عملگر نفی و در جایگاه مشخصگر آن، عملگر تهی نفی جمله قرار دارد که لزوم اقناع معیار نفی جمله (Haegeman & Zanuttini, 1991) را اجتناب‌ناپذیر می سازد. این فرافکن بر فراز گروه زمان قرار دارد و برای رعایت شرط سازه‌فرمانی زمان لاکا (۱۹۹۱)، فعل زماندار در سطح صورت منطقی به جایگاه هستهٔ گروه نفی حرکت می‌کند تا سایر هسته‌های نقشی را سازه‌فرمانی کند.

با بررسی نشانهٔ نفی روشن شد که این نشانه در جایگاه منضم به فعل اصلی و فعل کمکی زماندار، یک «نشانهٔ نفی متصل» و در جایگاه‌های قبل از متمم‌های گروهی جمله و جایگاه آغازین جملات پرسشی بلی‌ـخیر منفی، یک «نشانهٔ نفی منفصل» به‌شمار می‌رود. نشانهٔ نفی متصل پس از تولید در جایگاه هستهٔ گروه نفی، با فعل تطابق می‌یابد. در این مطابقه، مشخصهٔ [– نفی] روی فعل و مشخصهٔ [– فعلی] روی نشانهٔ نفی بازبینی و حذف می شوند. به‌پیروی از نظریهٔ صرف توزیع‌شدهٔ هاله و مارانتز (۱۹۹۳)، نشانهٔ نفی بعد از سطح نحو به‌وسیلهٔ قواعد واژ‌ـواجی روی فعل ظاهر می‌شود. درمقابل، نشانهٔ نفی غیرمتصل در جایگاه هستهٔ یک گروه نفی متفاوت در جایگاه بالاتر تولید می‌شود و پس از بازبینی مشخصه های خود با فعل در سطح صورت منطقی، به‌دلیل عدم انضمام به فعل در ساخت ظاهری، در همان جایگاه می‌ماند.

از سوی دیگر، جملات پرسشی بلی‌ـخیر منفی یک عملگر پرسشی بلی‌ـخیر دارند که در جایگاه مشخصگر گروه متمم‌نما قرار دارد و تعبیر پرسشی آن‌ها را امکانپذیر می‌کند. این عملگر دارای مشخصه‌هایی است که باید با مشخصه‌های هستهٔ خود در تطابق باشد تا معیار نفی اقناع شود. این معیار در برخی زبان‌ها با قرار گرفتن فعل زماندار و در برخی زبان‌های دیگر با کاربرد نشانهٔ نفی در جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما برآورده می‌شود. در جملات پرسشی بلی‌ـخیر منفی گویش دشتستانی، نشانهٔ نفی منفصل از جایگاه هستهٔ گروه نفی غیرمنضم به فعل حرکت می‌کند و در جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما قرار می‌گیرد تا ضمن اقناع

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

معیار نفی مذکور، تعبیر پرسشی جمله را فراهم کند. در این پژوهش، با ارائهٔ چند نمونه نشان دادیم که حرکت هستهٔ گروه نفی به‌عنوان نشانهٔ نفی منفصل به جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما ضروری است و درصورت انجام نشدن این حرکت، چه در سطح صورت منطقی و چه تا قبل از سطح بازنمون، ساختی غیردستوری تولید خواهد شد.

۶. پی‌نوشت

1. Negation
2. licensing
3. Negative prefix
4. Pre-verbal negative particle
5. Negative Phrase (NegP)
6. Complementizer Phrase (CP)
7. IP layer
8. Negative Raising
9. Gbe
10. Han
11. Irish
12. Move
13. Merge
14. interpretable
15. uninterpretable
16. convergence
17. feature checking
18. spec-head
19. Agree
20. sentence / sentential negation
21. constituent
22. Occitan
23. Kwak
24. base-generated
25. VP
26. [uNeg]
27. [iNeg]
28. negative operator
29. Neg-Criterion
30. Neg-Parameter
31. Tense C-Command Condition

۳۲. اختصارات: ا.ش.م. = اول شخص مفرد؛ س.ش.م. = سوم شخص مفرد؛ و.م. = واج میانجی

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

۳۳. آذری و همکاران (۱۳۹٤) حرکت رو به پایین (lowering) را برای عناصری نظیر هستهٔ گروه مطابقه، گروه زمان و گروه نفی، بررسی و ادعا کرده‌اند که این نوع حرکت، توجیه بهتری را از چگونگی نحو جملات فارسی و جایگاه‌های گروه‌های نقشی صرفی در ساخت سلسله‌مراتبی اشتقاق جمله‌های فارسی فراهم می‌کند.

۳٤. در فارسی نیز پیشنهاد شده است که در بندهای اصلی، فعل ممکن است با حرکت به ابتدای جمله، در هستهٔ گروه متمم‌نما قرار گیرد (Karimi, 1994).

35. Bavarian

۷. منابع

- کواک، سه‌را. (۱۳۸۷). ***ساخت جملات منفی در زبان فارسی***. پایان‌نامهٔ دکتری. تهران: دانشگاه تهران.
- آذری، مطلب؛ علیزاده، علی؛ کرامتی یزدی، سریرا و مجتبی نامور فرگی. (۱۳۹٤). «حرکت های نحوی روبه‌پایین در زبان فارسی براساس کمینه‌گرایی». ***جستارهای زبانی***. د ٦. ش ٦. صص ۱-۲۲.
- Aboh, E.O. (1999). *From the Syntax of Gungbe to the Grammar of Gbe*. Editions à la Carte SA. Sierre: Suisse.
- Azari, M.; S. Keramati; A. Alizade & M. Namvar-Fargi (2016). "The study of syntactic downward movements in Persian on the basis of Minimalism". *Language Related Research* . 6(6). Pp. 1-22 [In Persian].
- Chomsky, N. (1986). *Barriers*. Cambridge MA: The MIT Press.
- ---------- (2001). "Derivation by phase". In Kenstowicz, M (Ed.) *Ken Hale: A Life in Language*. MIT Press.
- ---------- [1995] (2015). *The Minimalist Program*. MIT Press.
- Haegeman, L. (1995). *The Syntax of Negation*. Cambridge University Press.
- ---------- & R. Zanuttini (1991). "Negative heads and the neg criterion". *The Linguistic Review* 8. Pp. 233-251.
- Halle, M. & A. Marantz (1993). "Distributed morphology and the pieces of inflection". In Hale, Ken and Keyser, Samuel J. (Eds.), *The View from Building*

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

20: Essays in Linguistics in Honor of Sylvain Bromberger. Cambridge: MIT Press.

- Han, C. (1998). *The Structure and Interrelation of Imperativs: Mood and Force in Universal Grammar*. Ph.D. Dissertation. University of Pennsylvania.
- Hornstein, N.; J. Nunes & K.K. Grohmann (2005). *Understanding Minimalism*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jespersen, O. (1917). *Negation in English and Other Languages*. Copenhagen: A.F. Høst.
- Karimi, S. (1994). "Word order variations in modern contemporary Persian". In M. Marashi (Ed.), P*ersian Studies in North America: A Festschrift for Professor M.A. Jazayery*, Iranbooks. Pp. 43-73.
- Karimi, S. (2001). "Persian complex DPs: how mystrious are they? ", *Canadian Journal of Linguistics.* 46 (1-2). Pp. 63-96.
- Klima, E.S. (1964). "Negation in English". In J.A. Fodor & J.J. Katz (Eds.). *The Structure of Language*. New Jersey: Prentice-Hall.
- Kwak, S. (2008). *The Structure of Negative Sentences in Persian*. Ph.D. Dissertation. University of Tehran, Tehran [In Persian].
- Laka, I. (1991). "Negation in syntax: On the nature of functional categories and projections". *ASJU*, XXV-I. Pp. 65-136.
- Lasnik, H. (2002). "The Minimalist program in syntax". *Trends in Cognitive Sciences* 6. Pp. 432-437.
- McCloskey, J. (1979). *Transformational syntax and model theoretic semantics: A case-study in Modern Irish*. Dordrecht: Reidel.
- Moscati, V. (2006). *The Scope of Negation*. Ph.D. Dissertation. University of Siena.
- Ouhalla, J. (1990). "Sentential negation, relativized minimality and the aspectual status of auxiliaries". *Linguistic Review* 7. Pp. 183–231.
- Payne, J. R. (1985). "Negation". In: Timothy Shopen (Ed.) *Language Typology*

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

and Syntactic Description, Vol. I: Clause Structure. Cambridge, UK: Cambridge University Press. Pp. 197–242.

- Pollock, J.Y. (1989). "Verb movement, universal grammar, and the structure of IP". *Linguistic Inquiry* 20. Pp. 365-424.
- Progovac, L. (1994). *Positive and Negative Polarity: A Binding Approach.* Cambridge University Press.
- Taleghani, A. (2008). *The Interaction of Modality, Aspect and Negation in Persian*. John Amsterdam & Philadelphia: Benjamin's Publishing.
- Weiss, H. (2002). "Three types of negation: a case study in Bavarian". In: Sjef Barbiers, Leonie Cornips & Susanne Van der Kleij (Eds.), *Syntactic Microvariation*. Electronic Publication: Meertens Institute. Pp. 305-332.
- Willis, D.; C. Lucas & A. Breitbarth (2013). "Comparing diachronies of negation". In: *The History of Negation in the Languages of Europe and the Mediterranean*, Vol. I: Case studies. David Willis, Christopher Lucas, and Anne Breitbarth (Eds.). Oxford: Oxford University Press. Pp. 1-50.
- Zanuttini, R. (1997a). "Negation and verb movement". In *The New Comparative Syntax*, L. Haegeman (Ed.). London & New York: Longman. Pp. 214-245.
- Zanuttini, R. (1997b). *Negation and Clausal Structure: A Comparative Study of Romance Languages.* New York: Oxford University Press.
- --------- (2001). "Sentential negation". In: *The Handbook of Contemporary Syntactic Theory*. Mark Baltin and Chris Collins (Eds.). USA: Blackwell Publishers. Pp. 511-535.
- Zeijlstra, H.H. (2004). *Sentential Negation and Negative Concord.* Ph.D. Dissertation. University of Amsterdam. Utrecht: LOT Publications.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]